



شناسایی عوامل مؤثر بر اثربخشی مراکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی استان ایلام

حامد چهارسوقی‌امین^۱، علیرضا نوروزی^۲، مرجان واحدی^۳ و حشمت‌اله سیاهی^۴

چکیده

یکی از عمده طرح‌هایی که جهت توسعه روستایی و کشاورزی پس از انقلاب اسلامی و در پی برنامه سوم توسعه کشور به مرحله اجرا درآمده است، الگوی مراکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی است. مراکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی به سان محمل توسعه، در راستای تحقق مأموریت و اهداف برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در جوامع روستایی به گونه‌ای درون-زا، از طریق ظرفیت‌سازی در اجتماعات روستایی و پیاده‌سازی رهیافت خدمات‌رسانی، امکان توسعه پایدار و مطلوب را تسهیل می‌نماید، به طوری که امکان تأمین خدمات حمایتی مرتبط با منافع عمومی جوامع روستایی در زمینه توسعه منابع انسانی، فقرزدایی، توانمندسازی کشاورزان و مخاطبان نادیده و گروه‌های حاشیه‌ای، مدیریت منابع طبیعی و توسعه زنجیره‌های بهینه-سازی کشاورزی فراهم آید. تحقیق حاضر با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای، پس از بررسی چالش‌ها و مشکلات فعلی مراکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر اثربخشی مراکز ترویج را دسته‌بندی کرده و در ادامه مدل توسعه اثربخشی مراکز ترویج و جهاد کشاورزی استان ایلام را پیشنهاد می‌دهد.

کلمات کلیدی: اثربخشی، مراکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی، استان ایلام.

^۱ استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تربیت‌مدرس

^۳ استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام

^۴ معاون مدیریت هماهنگی ترویج کشاورزی استان ایلام



مقدمه

از میان ابعاد و زمینه‌های متنوع توسعه، توسعه روستایی از جمله مباحث عمده در این مدت بوده که برخی از ابعاد مهم تعالی کشورهای جهان من جمله ایران به آن وابستگی ژرفی پیدا نموده است. به طوری که بخش قابل توجهی از تحقیقات، مطالعات و برنامه‌های کلان کشور را به خود اختصاص داده است. در واقع محوریت فعالیت‌های کشاورزی در روستاها و تأمین مواد غذایی مصرفی مورد نیاز جامعه شهری و روستایی توسط آنها و اختصاص ۳۸/۵ درصد از جمعیت ایران به نواحی روستایی (بیش از ۲۳ میلیون نفر)، توجه به روستاها را در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در جهت دستیابی به خودکفایی و پیشرفت الزام‌آور می‌کند. برنامه‌ریزی در راستای تأمین خدمات کشاورزی، عمرانی، بهداشتی، آموزشی، رفاهی... برای روستاییان، فعالیتی کاملاً توجیه‌پذیر است و بدیهی است جای دادن غایت مطلوب این خدمات در یک نظام سلسله مراتبی خدمات‌رسانی نظیر مراکز ارائه‌کننده خدمات در سطوح روستایی الزامی خواهد بود. در این راستا، مراکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی از جمله نهادهایی است که در پی برنامه سوم توسعه کشور، در تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۱۰ زیر نظر وزارت جهاد کشاورزی ایجاد گردیدند. این مراکز نقش حساسی در ارائه خدمات و امکانات مورد نیاز روستاهای تحت نفوذ خود دارند، زیرا از طریق فراهم آوردن زمینه بهبود و توسعه کشاورزی و حفظ منابع طبیعی به صورت جامع در درون نظام‌های بهره‌برداری به واسطه ارائه خدمات فنی، اعتباری، زیربنایی و رفاهی، تهیه و تجهیز و توزیع لوازم و وسایل و نهاده‌های کشاورزی و دامی، ارائه تسهیلات و خدمات بازرگانی، انتقال تکنولوژی و راهبردهای مناسب از طریق اعمال سیاست‌های کارا و اثربخش و اجرای طرح‌های آموزشی مستمر در جهت ارتقاء دانش، بینش و مهارت بهره‌برداران و مخاطبین جوامع روستایی، به مثابه پایگاه‌هایی جهت توسعه و تقویت پتانسیل‌های زیستن و فعالیت در نواحی روستایی تلقی می‌شوند و بسترهای مناسبی را برای توسعه کشاورزی، توسعه کارآفرینی روستایی، افزایش کیفیت زندگی جمعیت روستایی و به موازات آن توسعه و عمران روستایی به وجود می‌آورند. از زمان تصویب لایحه مربوط به ایجاد مراکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی (۱۳۷۹) تا پایان برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۶ - ۱۳۸۵) از مجموع ۲۴۰۰ دهستان کشور، ۱۸۰۲ دهستان قابلیت دارا بودن مراکز را داشته‌اند که از این تعداد تنها ۱۲۱۳ دهستان مجهز به مراکز فعال می‌باشند. در این میان استان ایلام، با وجود ۴۲ دهستان، تنها دارای ۱۷ مراکز در حال فعالیت است که به مثابه آخرین حلقه اتصال وزارت کشاورزی با بهره‌برداران و مهم‌ترین نهاد ترویجی در سطح روستاها مشغول به فعالیت می‌باشند.

با گذشت حدود ۷۰ سال از آغاز فعالیت‌های رسمی نظام ترویج کشاورزی در ایران و باوجود فعالیت‌های فراوان و اثرات نسبتاً مثبت آن، امروزه بیش از هر زمان دیگر این نظام توانمندساز در حوزه علمی - اجرایی در معرض اظهارنظر، انتقاد، بحث و مجادله قرار گرفته است. در وضعیت فعلی، چالش‌ها و نارسایی‌هایی در سطح مراکز ترویج و خدمات‌تجهاد کشاورزی کشور وجود دارند که تقویت یا اصلاح آن را ضروری می‌سازند. پاره‌ای از این چالش‌ها و نارسایی‌ها را می‌توان اینگونه برشمرد:

- فقدان جایگاه قانونی ثابت و پایدار برای نظام؛
- تعریف و برداشت نادرست از نقش نظام و خدمات آن؛
- مسائل و مشکلات در تدوین اهداف و وظایف؛
- مسائل و مشکلات در انتخاب رهیافت و شیوه‌های ترویجی؛
- برتری ایده انتقال تکنولوژی در فعالیت‌ها؛
- فقدان مهارت لازم در عرصه تبدیل یافته‌های نوین علمی و تحقیقاتی به پیام‌ها و توصیه‌های عملی و مؤثر ترویجی؛
- ضعف در ساختار تشکیلاتی؛
- فقدان شبکه گسترده ترویجی با پوشش کافی برای مخاطبان؛
- عدم ارتباط بین نهادهای تحقیقاتی، ترویجی و کشاورزان؛
- ضعف در ارزشیابی و نظارت؛ و
- ضعف ارتباطات نظام‌مند و قواعد و فرهنگ همکاری چندجانبه و مشارکت زیر بخش‌های مختلف توسعه کشاورزی (فعلی، ۱۳۹۲).



بر این اساس پژوهش حاضر با درک ضرورت توجه به نقش و جایگاه مراکز ترویجی در دستیابی به غایت بنیادی توسعه روستایی و کشاورزی، با نگاهی کل‌گرا و واقع‌گرایانه در طی فرآیندی پویا و نظامند، به گونه‌ای راهبردی، بر مبنای واکاوی واقعیات موجود و توأم با بهره‌گیری از تجارب سایر ملل به شناسایی عوامل مؤثر بر اثربخشی مراکز ترویجی و خدمات جهاد کشاورزی استان ایلامی‌پردازد. بنابراین مطالعه حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال که، عوامل مؤثر بر اثربخشی مراکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی کدامند؟ انجام شده است.

هدف کلی

شناسایی عوامل مؤثر بر اثربخشی مراکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی استان ایلام

اهداف اختصاصی

- شناسایی عوامل برون‌سازمانی مؤثر بر اثربخشی مراکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی،
- شناسایی عوامل درون‌سازمانی مؤثر بر اثربخشی مراکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی و
- مدل توسعه اثربخشی مراکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی.

روش تحقیق

این تحقیق از نظر ماهیت از نوع تحقیقات مروری و از لحاظ هدف کاربردی است. ابزار گردآوری اطلاعات شامل مطالعات اسنادی، کتابخانه‌ای، ترجمه مقالات مرتبط با موضوع و کاوش رایانه‌ای در شبکه جهانی اطلاعات صورت گرفته است.

یافته‌ها و بحث

الف) عوامل برون‌سازمانی

فعالیت‌های مراکز ترویج کشاورزی زمانی می‌توانند دارای اثربخشی لازم باشند که دیگر بخش‌ها نیز در کنار آن در جهت بهبود وضعیت موجود تلاش نمایند. این عوامل در اشکال مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و فنی به ناچار بر روی مراکز ترویجی اثر خواهند گذاشت و بر آنها فشار وارد می‌آورند تا متحول گردند. Petreson (۱۹۹۷) این عوامل را در قالب سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، زیرساختی، بوم-شناختی و نهادی بیان می‌کند.

• عوامل بوم‌شناختی

از آنجایی که محیط طبیعی، برنامه‌ریزی و عملیات ترویج کشاورزی را کاملاً متأثر می‌سازد، ترویج کشاورزی باید پاسخگوی نیازهای کشاورزان در نواحی بوم‌شناختی مختلف باشد. تنوع نواحی زراعی - اقلیمی در هر کشوری می‌تواند چشمگیر باشد. اختلافات دما، میزان بارندگی، نوع خاک، تبخیر و تعرق و نظایر آن در تنوع شرایط زراعی و نظام‌های تولید موجود منعکس می‌شوند. Anderson & Feder (۲۰۰۴) نیز معتقد هستند که مخاطبان بالقوه خدمات ترویجی در نواحی جغرافیایی زندگی می‌کنند که متأثر از تغییرات خاک، تبخیر و غیره است.

• عوامل سیاسی

سیاست، تأثیر نسبتاً ناآشکاری بر روی سازمان‌های ترویج کشاورزی دولتی و به تبع آن بر روی مراکز ترویجی دارد. تحولات سیاسی در سطح ملی اغلب ایجاد تغییراتی را در سطح کارکنان، مدیریت و برنامه‌های ترویج کشاورزی سبب می‌شود. عزل و نصب‌های افراطی در سطح مدیران رده بالا، تجربه مدیریت و تداوم آن را متزلزل می‌سازد.

• عوامل فرهنگی

در بسیاری از کشورها، عوامل فرهنگی محدودیت‌های اساسی را برای اثربخشی مراکز ترویج کشاورزی آشکار می‌سازند. تفاوت‌های زبانی و بی‌سوادی در صورتی که مورد توجه قرار نگیرند می‌توانند مانع فعالیت‌های ترویج کشاورزی شوند. شیوه‌های تقسیم کار میان مردان و



زنان ممکن است در فرهنگ‌های مختلف، متفاوت باشد. تفاوت‌های فرهنگی میان کشاورزان و متفاوت بودن منابع موجود را نیز باید در نظر گرفت. به‌طور مثال، Zakaria (۲۰۰۳) معتقد است که تنوع ویژگی‌های فرهنگی کشاورزان در مناطق مختلف باعث اتخاذ روش‌ها و رهیافت‌های گوناگون ترویجی می‌شود، به‌طوری‌که در مناطق توسعه یافته که کشاورزان از نظر سطح تحصیلات و تجربه بهتر هستند، رهیافت‌های مشارکتی مناسب‌تر از سایر رهیافت‌ها هستند.

• عوامل زیرساخت

عوامل زیرساخت، بویژه وضعیت حمل و نقل، سازمان‌های رسانه‌ای، ارتباطات و تسهیلات بازار، کشاورزان و مراکز ترویج کشاورزی را متأثر می‌سازد. توانایی در بسیج مردم، استفاده از نهاده‌ها و تولید و تبادل اطلاعات بر فعالیت‌های ترویج کشاورزی و امکانات آن تأثیر می‌گذارد.

• عوامل اقتصادی

میزان سرمایه‌گذاری دولت در مراکز ترویج کشاورزی دولتی نیز یکی از این عوامل است که خود تحت تأثیر وجود یا عدم وجود برنامه‌های تنظیم ساختاری، میزان وابستگی اقتصاد به کشاورزی یا سهم کشاورزی در اشتغال و تولید ناخالص ملی نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی است.

• عوامل نهادی

مراکز ترویج کشاورزی باید پیوندهای قوی را با دانشگاه‌های کشاورزی و مؤسسات آموزشی برقرار کند. دانشگاه‌های کشاورزی باید به‌صورت نزدیکی با مراکز ترویج و سایر مؤسسات دولتی و سازمان‌های خصوصی کار کنند و برنامه‌های درسی را تدوین و در برنامه‌های که آموزش‌های کاربردی و عملی را برای دانشجویان کشاورزی سال آخر تهیه می‌کنند، مشارکت داشته باشند.

ب) عوامل درون‌سازمانی

خط‌مشی و چارچوب نظری

بنابر اعتقاد Singh (۲۰۱۱) در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، مشکلات مربوط به مراکز ترویج کشاورزی اثربخش به فقدان خط‌مشی‌های واقع‌بینانه و یا عدم وجود چارچوبی ثابت برای تدوین رسالت‌های نظام ترویج کشاورزی مربوط می‌شود. Contado (۱۹۹۷) نیز بیان می‌کند که فقدان اتفاق نظر در مورد وظایف ترویج کشاورزی، ارباب رجوع مورد خدمت، نحوه تأمین هزینه‌ها، تغییرات پی در پی در ساختار سازمانی و اولویت‌های برنامه‌ها، جابجایی سریع کارکنان، تعدد سازمان‌هایی که مسئولیت ترویجی برعهده دارند و فقدان هماهنگی میان آنها برخی از مسائل و مشکلاتی هستند که اهمیت موضوع تدوین خط‌مشی ترویج کشاورزی را برجسته‌تر می‌سازند.

اهداف و کارکردها

Vanclay (۲۰۰۴) اعتقاد دارد که کارکردهای مراکز ترویج کشاورزی اثربخش، چیزی فراتر از انتقال تکنولوژی است. این نظام برای موفقیت باید با نیازهای کشاورزان در رابطه و تناسب باشد و اولویت‌های کشاورزان را فراتر از اولویت‌های سازمانی خویش قرار دهد. Swanson (2008b) نیز اظهار می‌دارد که آموزش‌های غیررسمی، انتقال تکنولوژی، ارائه خدمات مشاوره‌ای و ترویج تسهیلی (Facilitation Extension) مهم‌ترین کارکردهای ترویج کشاورزی هستند.

ساختار تشکیلاتی و اداری

Omar et al. (۲۰۱۱) ساختار تشکیلاتی اثربخش برای نظام ترویج کشاورزی را در سلسله مراتبی کمتری و انعطاف‌پذیری بیشتر برای پاسخگویی به نیازهای کشاورزان در سطح محلی و هماهنگی بین اجزای نظام ترویج تکثرگرا در ارائه خدمات ترویجی، تفویض اختیارات به مدیران و گروه‌های منطقه‌ای، اختیارات در تصمیم‌گیری‌های روزمره و جداسازی بودجه برای هزینه‌های عملیاتی بیان می‌کنند.



کارگزاران

Pezeshki-Raadet *al.* (۱۹۹۴) معتقد هستند که کارگزاران مراکز ترویج کشاورزی اثربخش در کشورهای در حال توسعه باید صلاحیت‌های حرفه‌ای در حوزه‌های مدیریتی، تدوین برنامه و اجرا، ارزشیابی، ارتباطات، روش‌های تدریس و ترویج، و درک و فهم رفتار انسانی داشته باشند.

گروه‌های هدف

بیشتر جوامع روستایی ترکیب‌های متنوعی از خانواده‌های زراعی و روستایی را دارند که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم درگیر فعالیت‌های کشاورزی هستند. بنابراین ضرورت دارد که بین بهره‌برداران اصلی مراکز ترویج کشاورزی تفاوت‌هایی وجود داشته باشد. Swanson (2008a) این بهره‌برداران را در غالب گروه‌های زنان روستایی، کشاورزان حاشیه‌ای و خردپا، کشاورزان متوسط، کشاورزان تجاری و جوانان روستایی بیان می‌کند.

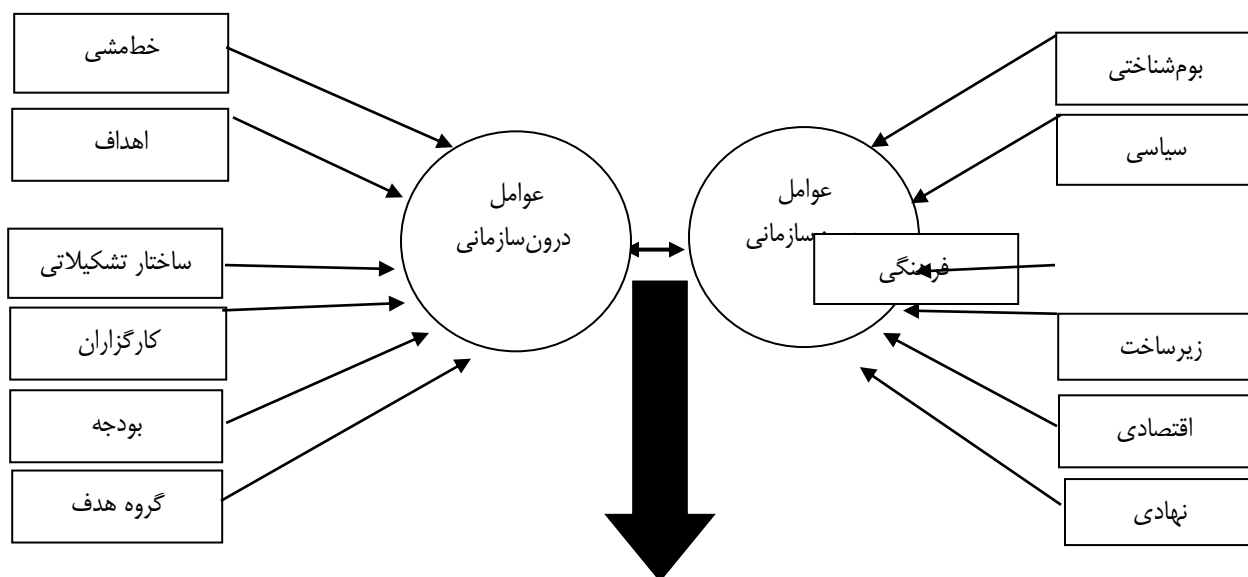
بودجه و منابع مالی

در حال حاضر، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، به منظور اثربخشی مراکز ترویجی، پیوندهای دولتی و خصوصی برقرار گردیده است. این الگوهای جایگزین نوآوری‌های بخش خصوصی را براساس سرمایه‌گذاری، ترغیب، خطرپذیری سرمایه‌گذاری را بوسیله کشاورزان را تشویق، خدمات ترویج دولتی و خصوصی را هماهنگ و نظام دولتی را خصوصی می‌کنند (Ogunlade *et al.*, 2009).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مراکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی به سان محمل توسعه، در راستای تحقق مأموریت و اهداف برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در جوامع روستایی به گونه‌ای درونزا، از طریق ظرفیت‌سازی در اجتماعات روستایی به طور هدفمند و مرتب، منابع و محرک‌های اثربخش را در قالب تشکل‌های پویا و مستعد در عرصه توسعه کشاورزی و روستایی در جهت توسعه و تقویت سرمایه‌ها و استعدادها موجود، پیاده‌سازی رهیافت خدمات‌رسانی را، در راستای توسعه پایدار و مطلوب تسهیل می‌نماید، به طوری که امکان تأمین خدمات حمایتی مرتبط با منافع عمومی جوامع روستایی در زمینه توسعه منابع انسانی، فقرزدایی، توانمندسازی کشاورزان و مخاطبان نادیده و گروه‌های حاشیه‌ای، مدیریت منابع طبیعی و توسعه زنجیره‌های بهینه‌سازی کشاورزی فراهم آید.

اما آنچه در اینجا مورد توجه قرار می‌گیرد، بازگویی این واقعیت است که امروزه، مجموعه گرایش‌ها و تحولات راهبردی متنوعی که در سیاست‌های کلان توسعه و به موازات آن، ساخت‌دهی شبکه‌های نهادی مبتنی بر خط‌مشی‌های نوزایی و تمامی مؤلفه‌های شاکله و تعاملات پیرامونی حاصل از رویکردهای اصلاح‌گرایانه و سیاست‌های بنیادی که در جوامع روستایی ایجاد گردیده است و در واقع بازتاب تغییرات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌باشند، مباحث، چالش‌ها و کمبودهایی را پیشروی مراکز ایجاد کرده است که ضرورت واریسی اقتصادی و تطبیقی گزیدارهای تأثیرگذار بر ارتقاء اثربخشی مراکز را با توجه به ویژگی‌های موقعیتی موجود، از طریق سنجش دقیق پیامدهای حاصل از پیاده‌سازی راهبردهای ساختاری و کارکردی مراکز در گستره نهادی و عملیاتی (عرصه کشاورزی و روستایی)، بیش از پیش آشکار می‌سازد. بر اساس یافته‌های پژوهش، عوامل تأثیرگذار بر مراکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی به دو دسته عوامل برون‌سازمانی (بوم‌شناختی، سیاسی، فرهنگی، زیرساختی، اقتصادی و نهادی) و عوامل درون‌سازمانی (خط‌مشی، اهداف، ساختار تشکیلاتی، کارگزاران، بودجه و گروه هدف) طبقه‌بندی می‌گردند. بدیهی است توجه به این عوامل، اثربخشی مراکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی را تضمین می‌کند. بنابراین در پایان، مدل توسعه اثربخشی مراکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی استان ایلام به منظور الگویی برای تحقیقات عملیاتی پیشنهاد می‌شود (شکل ۱).



شکل ۱- مدل توسعه اثربخشی مراکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی

فهرست منابع

فعلی، س. (۱۳۹۲). نظام ترویج کشاورزی ایران: وضعیت کنونی و آینده‌نگاری، رساله‌ی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس.

- Anderson, R. G. & Feder, G., Agricultural extension: Good intentions and hard realities. *The World Bank Research Observer*, 19 (1), ۲۰۰۴, pp. 41-60.
- Contado, E. T., Formulating extension policy. In: Swanson, B. E., Bentz, R. P. & Sofranko, A. J. (Eds.). *Improving agricultural extension: A reference manual*. Rome, FAO, 1997.
- Ogunlade, I. et al, Farmers' attitude to beneficiary funding of extension services in Kwara State Nigeria. *J. Hum. Ecol.*, 26 (3), 2009, pp. 215-220.
- Omar, E. A. J. et al, A review study of the reorganization of agricultural extension toward sustainable agricultural development. *International Journal of Engineering Science and Technology*, 3 (5), 2011, pp. 4358-4366.
- Peterson, W., The context of extension in agricultural and rural development. In: Swanson, B. E., Bentz, R. P. & Sofranko, A. J. (Eds.). *Improving agricultural extension: A reference manual*. Rome, FAO, 1997.
- Pezeshki-Raad, G. et al, Professional competencies needed by extension specialists and agents in Iran. *Journal of International Agricultural and Extension Education*, 1 (1), 1994, pp. 45-54.
- Singh, P. R., Delivery mechanism of agricultural extension services to farmer in India: An overview. *Indian Research Journal of Extension and Education*, 11 (1), 2011, pp. 96-102.
- Swanson, B. E, Changing Paradigms in Agricultural Extension. Paper presented at the International Seminar on Strategies for Improving Livelihood Security of Rural Poor, Goa, India, September 24-27, 2008b.
- Swanson, B. E, Global review of good agricultural extension and advisory service practices. Rome, FAO, 2008a.
- Vanclay, F, Social principles for agricultural extension to assist in the promotion of natural resource management. *Australian Journal of Experimental Agriculture*, 44, 2004, pp. 213-222.
- Zakaria, A, Decentralizing extension to local governments: Indonesia experience Regional Workshop on Operational zing Reform in Agricultural Extension in South Asia, New Delhi, 2003.